

دیپلماسی حقوقی
در میدان جنگ؛
از شکستن روایت
دشمن تا مهار
قطعه‌نامه‌هاروایت کاظم غریب آبادی
معاون حقوقی وزارت
خارجه از نبرد حقوقی
در گاززار تقابلیمهار
تنش بیرونی
پیش از رسیدن
به سفره مردمپازخوایی حمید قنبری
معاون دیپلماسی
اقتصادی وزارت خارجه
از تلاش برای کاهش
هزینه‌های جنگ
بر اقتصاد

دیپلمات روزهای سخت



را عقب‌نشینی می‌خواندند، تلاش‌های او را وارونه روایت کردند؛ غافل از اینکه عراقی حتی پس از عهدشکنی تاریخی آمریکا و آغاز تلاش دوباره برای جنگ، توانست با دیپلماسی فعال، کشورهای عربی را از بی‌تفاوتی نسبت به تنش بیرون کشیده و به ابتکاری برای مهار بحران و جلوگیری از شعله‌ور شدن دوباره جنگ سوق دهد. اکنون «ایران» در قاب این تلاش بی‌وقفه، او را در میان چهار چهره ملی برگزیده است تا صاحب‌نظران سیاست خارجی، کارنامه این دیپلماسی را روایت کنند.

وقتی جنگ، میدان را به زبان قدرت و دیپلماسی را به زبان مقاومت وادار می‌کند، دیپلماتی که سکان سیاست خارجی را در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخ معاصر ایران در دست گرفته، باید همزمان در دو جبهه بجنگد؛ سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه از اولین روز مسئولیتش در متن بحران و جنگ ایستاد اما حتی زیرآتش نیز دیپلماسی را در امتداد و تکمیل بازدارندگی میدان پیش برد و پس از آتش‌پس نیز این مسیر را متوقف نکرد تا سرانجام به تقاهنامه اسلام‌آباد برسد. با این همه، منتقدانی که مذاکره

مدیریت بی‌اعتمادی در سیاست خارجی

یادداشت

عابد اکبری
استاد روابط بین‌الملل دانشگاه

در سیاست خارجی، دولت‌ها را نمی‌توان صرفاً بر اساس نتایج کوتاه‌مدت یا تعداد توافق‌هایی که به امضای رسانند داوری کرد. گاهی مهم‌ترین نشانه بلوغ یک دولت، نحوه مواجهه آن با شرایطی است که اساساً در اختیارش نیست؛ جنگ، تغییر موازنه قدرت، رفتار بازیگران ثالث و تصمیم قدرت‌های بزرگ. دولت مسعود پزشکیان سیاست خارجی خود را در چنین محیطی آغاز کرد؛ محیطی که در آن ایران با ترکیبی کم‌سابقه از فشار اقتصادی، منازعه امنیتی، بحران هسته‌ای و رقابت‌های ژئوپلیتیک مواجه بود. از این منظر، ارزیابی سیاست خارجی این دولت باید نه با معیار وعده‌های ساده انتخاباتی که با سنجش کیفیت تصمیم‌گیری در شرایط محدودیت و بحران صورت گیرد. پزشکیان در آغاز دولت بر ضرورت تعامل، کاهش تنش و استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای گشودن گره‌های خارجی تأکید کرد. اهمیت این رویکرد زمانی بیشتر آشکار شد که محیط منطقه‌ای به سمت رویارویی نظامی گسترده‌تر حرکت کرد. در چنین شرایطی، دولت می‌توانست دیپلماسی را به حاشیه براند و سیاست خارجی را صرفاً پر منطق تقابلی استوار کند؛ اما انتخاب دیگری را در پیش گرفت: حفظ ظرفیت بازدارندگی کشور در کنار باز نگه داشتن مسیرهای سیاسی و دیپلماتیک. به باور من، این مهم‌ترین ویژگی سیاست خارجی دولت چهاردهم است. پزشکیان متعهد نیاز دارد و هر سیاستی که عمداً بخشی از این گزینه‌ها را حذف کند، دست کشور را در مذاکرات آینده خواهد بست. از این منظر، رویکرد دولت پزشکیان را می‌توان نوعی «موازنه فعال» دانست؛ موازنه‌ای که در آن تهران تلاش می‌کند روابط خود با قدرت‌های شرقی را تعمیق کند، اما همزمان از قطع کامل ارتباط با غرب پرهیز داشته باشد. این رویکرد با برداشت ساده‌انگارانه‌ای که سیاست خارجی را به انتخاب میان «شرق» و «غرب» تقلیل می‌دهد، تفاوت بنیادی دارد. در سیاست بین‌الملل، افزایش گزینه‌ها

خود نوعی قدرت است. اهمیت این رویکرد زمانی دوچندان شد که مذاکره در منطق جنگ برخورد کرد. در شرایط بحران نظامی، اولین وسوسه دولت‌ها معمولاً قطع کانال‌های ارتباطی و تبدیل سیاست خارجی به واکنش‌های امنیتی است. اما تجربه روابط ایران و آمریکا نشان می‌دهد که دقیقاً در چنین شرایطی، ارزش کانال سیاسی بیشتر می‌شود. این ارزش از موازنه امنیت و مدیریت بی‌اعتمادی است. بنابراین، اصرار دولت پزشکیان بر حفظ مسیر دیپلماسی در شرایط تشدید فشار



نظامی را باید یک انتخاب راهبردی تلقی کرد، نه عقب‌نشینی سیاسی. در بحران‌های پیچیده، دیپلماسی قرار نیست لزوماً از وقوع همه منازعات جلوگیری کند؛ گاهی وظیفه اول آن یک ضرورت ژئوپلیتیک است. ایران برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود به گزینه‌های متعدد نیاز دارد و هر سیاستی که عمداً بخشی از این گزینه‌ها را حذف کند، دست کشور را در مذاکرات آینده خواهد بست. از این منظر، رویکرد دولت پزشکیان را می‌توان نوعی «موازنه فعال» دانست؛ موازنه‌ای که در آن تهران تلاش می‌کند روابط خود با قدرت‌های شرقی را تعمیق کند، اما همزمان از قطع کامل ارتباط با غرب پرهیز داشته باشد. این رویکرد با برداشت ساده‌انگارانه‌ای که سیاست خارجی را به انتخاب میان «شرق» و «غرب» تقلیل می‌دهد، تفاوت بنیادی دارد. در سیاست بین‌الملل، افزایش گزینه‌ها

چرا جنگ رخ داد؟

البته در اینجا یک پرسش جدی مطرح می‌شود: اگر دیپلماسی دولت تا این اندازه اهمیت داشته است، چرا جنگ رخ داد؟ پاسخ علمی و واقع‌بینانه آن است که وقوع جنگ را نمی‌توان به‌صورت مکانیکی نتیجه شکست یا موفقیت دیپلماسی یک دولت دانست. جنگ محصول برهم‌کنش تصمیم‌های متعدد است؛ تصمیم‌هایی که در تهران، واشنگتن، تل‌آویو و سایر پایتخت‌های

مؤثر منطقه اتخاذ می‌شوند. نسبت دادن همه تحولات به عملکرد یک دولت، تحلیل سیاست خارجی نیست، ساده‌سازی آن است. با این حال، این بدان معنا نیست که وقوع جنگ هیچ نسبتی با سیاست خارجی ندارد. هر دولت باید بتواند ارزیابی کند که آیا ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی آن توانسته‌اند محاسبات طرف مقابل را تحت تأثیر قرار دهند یا خیر. در اینجا مفهوم «دیپلماسی بازدارنده» اهمیت پیدا می‌کند؛ یعنی استفاده از مذاکره و ارتباط سیاسی نه صرفاً برای دستیابی به توافق، بلکه برای تغییر محاسبات طرف مقابل و افزایش هزینه‌های تصمیم‌های پرخطر. دولت پزشکیان در این زمینه یک تلاش قابل توجه انجام داده است: قرار ندادن دیپلماسی و بازدارندگی در دو سوی یک دوگانه کاذب.

در این نگاه، ایران هم به قدرت نیاز دارد و هم به دیپلماسی؛ هم باید توانایی دفاع از منافع خود را داشته باشد و هم بتواند از این قدرت برای ساختن یک موقعیت سیاسی بهتر استفاده کند. این رویکرد به‌مراتب واقع‌بینانه‌تر از دو دیدگاهی است که یکی همه مشکلات را از مسیر مذاکره و دیگری همه مسائل را صرفاً از مسیر فشار و مقاومت قابل حل می‌داند. اما ارزیابی منصفانه دولت در اینجا نباید به سیاست امنیتی محدود شود. سیاست خارجی در نهایت زمانی برای جامعه اهمیت پیدا می‌کند که بتواند به توسعه ملی کمک کند. مردم‌آثار سیاست خارجی را نه فقط در بیانیه‌های دیپلماتیک، بلکه در نرخ سرمایه‌گذاری، امکان تجارت، دسترسی به فناوری، ثبات بازار و کیفیت زندگی خود تجربه می‌کنند. از این منظر، مهم‌ترین آزمون پیش روی دولت پزشکیان تبدیل سرمایه سیاسی و دیپلماتیک به دستاوردهای اقتصادی است. در این حوزه هنوز راه زیادی باقی مانده است، اما این فاصله را نیز باید در چارچوب محدودیت‌های ساختاری تحلیل کرد. دولت وارث مجموعه‌ای از تحریم‌ها، بی‌اعتمادی‌های انباشته، محدودیت‌های بانکی و ریسک بالای سیاسی است. نمی‌توان انتظار داشت چنین ساختاری در کوتاه‌مدت دگرگون شود. با این حال، هدف دیپلماسی اقتصادی باید دقیقاً همین باشد: تبدیل تدریجی کاهش تنش سیاسی به کاهش ریسک اقتصادی و سپس تبدیل آن به فرصت‌های توسعه‌ای. در اینجا روابط با همسایگان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

ویژه
هفته دولت

• برش •

تجربه عراقچی کجا اهمیت پیدا می‌کند؟

جلو ارزیابی کرد. مهم‌ترین دستاورد آن شاید یک توافق مشخص نباشد، بلکه تثبیت یک رویکرد باشد: ایران می‌تواند همزمان از منافع و امنیت خود دفاع کند و درهای مذاکره را نیز نبندد. این رویکرد نه آرمان‌گرایانه است و نه انفعالی؛ رویکردی واقع‌گرایانه است که می‌داند در نظام بین‌الملل، هیچ کشوری با حذف همه گزینه‌ها نمی‌تواند قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهد. به همین دلیل، داوری درباره پزشکیان و عراقچی باید با توجه به دشواری محیطی که در آن سیاست خارجی ایران را مدیریت کرده‌اند صورت گیرد. دولت چهاردهم در یکی از پرتنش‌ترین مقاطع امنیتی منطقه فعالیت کرده است. در چنین شرایطی، حفظ مسیر دیپلماسی خود یک دستاورد است؛ بویژه هنگامی که این مسیر در کنار حفظ اصول و منافع امنیتی کشور دنبال شده باشد. البته این پایان راه نیست. دیپلماسی زمانی به معنای واقعی کلمه موفق خواهد بود که بتواند از حفظ کانال‌های ارتباطی به توافق‌های پایدار، از توافق‌های پایدار به کاهش تنش و از کاهش تنش به توسعه اقتصادی برسد. دولت پزشکیان اکنون در مرحله‌ای قرار دارد که باید این زنجیره را کامل کند. اما اگر قرار باشد یک ویژگی را به عنوان مهم‌ترین نقطه تمایز سیاست خارجی این دولت برجسته کنیم، آن ویژگی را باید در تلاش برای زنده نگه داشتن دیپلماسی در سخت‌ترین شرایط جست‌وجو کرد. پزشکیان نشان داده است که تعامل را با ساده انگاری اشتباه نمی‌گیرد و عراقچی نیز نشان داده که مذاکره را بخشی از مدیریت قدرت ملی تلقی می‌کند. در سیاست خارجی، گاهی بزرگ‌ترین دستاورد، توافقی نیست که روی کاغذ امضا می‌شود؛ بلکه جلوگیری از بسته شدن آخرین پنجره برای یک راه‌حل سیاسی است. دولت پزشکیان تاکنون این پنجره را باز نگه داشته است. اکنون مأموریت دشوارتر آغاز می‌شود: تبدیل این ظرفیت دیپلماتیک به دستاوردی که هم برای امنیت ایران معنا داشته باشد و هم برای توسعه و رفاه ایرانیان. این همان نقطه‌ای است که باید در ارزیابی نهایی دولت چهاردهم مورد توجه قرار گیرد؛ نه اینکه آیا توانسته همه بحران‌ها را حل کند، بلکه آیا توانسته در میان بحران‌ها امکان حل آنها را حفظ کند. در شرایط کنونی سیاست خارجی ایران، همین تفاوت می‌تواند تفاوت میان یک دولت صرفاً مدیریتی کننده بحران و دولتی باشد که مسیر خروج از بحران را نیز طراحی می‌کند.

یکی از مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران، موقعیت جغرافیایی آن و دسترسی به بازارهای بزرگ منطقه است. اگر سیاست خارجی بتواند از این مزیت برای توسعه تجارت، ترانزیت، انرژی و همکاری‌های اقتصادی استفاده کند، آن‌گاه دیپلماسی منطقه‌ای از سطح مناسبات سیاسی فراتر خواهد رفت و به بخشی از راهبرد توسعه ملی تبدیل خواهد شد. همین منطق درباره روابط ایران با چین و روسیه نیز صدق می‌کند. روابط راهبردی با این دو قدرت برای تهران اهمیت دارد، اما ارزش واقعی آنها زمانی آشکار می‌شود که بتوانند به سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، تجارت پایدار و پروژه‌های بلندمدت منجر شوند. دیپلماسی اقتصادی موفق، روابط سیاسی را به ظرفیت‌های ملموس اقتصادی تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، تجربه بحرام و خروج از حد به تغییر دولت‌ها و تحولات داخلی یک کشور وابسته باشد، ذاتاً آسیب‌پذیر است. اما نتیجه منطقی این تجربه، کنار گذاشتن مذاکره نیست. برعکس، ایران باید به سمت توافقی‌هایی حرکت کند که در آنها اجرای مرحله‌ای، راستی‌آزمایی، منافع متقابل و هزینه‌های نقض تعهدات به‌گونه‌ای طراحی شوند که تغییرات سیاسی، کمترین آسیب را به اصل توافق وارد کنند. اینجاست که تجربه عراقچی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. او هم تجربه مذاکره را دارد و هم با محدودیت‌های ساختار تصمیم‌گیری در ایران و منطق طرف‌های مقابل آشناست. ترکیب این تجربه با رویکرد سیاسی پزشکیان می‌تواند امکان عبور از «مذاکره به‌مثابه فرآیند» را افزایش دهد یا خیر؛ آیا کانال‌های ارتباطی را افزایش کرده یا خیر؛ آیا توانسته روابط منطقه‌ای و بین‌المللی کشور را متوازن‌تر کند یا خیر؛ و آیا دیپلماسی را به ابزاری برای کاهش تنش سیاسی و اقتصادی تبدیل کرده است یا خیر. در این چارچوب، کارنامه دولت پزشکیان را می‌توان در مجموع رو به

عراقچی هم تجربه مذاکره را دارد و هم با محدودیت‌های ساختار تصمیم‌گیری در ایران و منطق طرف‌های مقابل آشناست. ترکیب این تجربه با رویکرد سیاسی می‌تواند امکان عبور از «مذاکره به‌مثابه فرآیند» را افزایش دهد یا خیر؛ آیا کانال‌های ارتباطی را افزایش کرده یا خیر؛ آیا توانسته روابط منطقه‌ای و بین‌المللی کشور را متوازن‌تر کند یا خیر؛ و آیا دیپلماسی را به ابزاری برای کاهش تنش سیاسی و اقتصادی تبدیل کرده است یا خیر. در این چارچوب، کارنامه دولت پزشکیان را می‌توان در مجموع رو به



دیپلماسی حقوقی در میدان جنگ از شکستن روایت دشمن تا مهار قطعنامه‌ها

از سال گذشته و متعاقب تلاش کشورهای اروپایی

جهت انجام مکانیسم ماشه، دستگاه دیپلماسی طی رایزنی گسترده با اعضای شورای امنیت

بویژه روسیه و چین، موفق شد مانع احیای کمیته تحریم شورای امنیت درباره ایران شود و با استدلال‌های حقوقی موثق و جریان‌سازی گسترده، روایت آمریکا و اروپا درباره وقوع مکانیسم ماشه را در منظر جهانیان خدشه‌دار کند. کارزار حقوقی در کنار کارزار سیاسی، مطبوعاتی و رسانه‌ای، نمونه موفق‌ی از ابتکار عمل دیپلماتیک بود. در این خصوص، همچنین رایزنی گسترده‌ای در سکوهایی مانند عدم تعهد و سازمان همکاری اسلامی صورت پذیرفت و همسویی کشورهای عضو در خصوص حقانیت روایت ایرانی جلب شد. مخالفت و مقابله با به رسمیت شناختن اسنپ‌ک و بازگرداندن تحریم‌های قبل از قطعنامه ۲۲۳۱(تحریم‌های شورای امنیت) و سازوکارهای مرتبط با آن، با اقدام هماهنگ با روسیه و چین، تاکنون منجر به توقف کار پنل کارشناسی کمیته تحریم ۱۷۳۷ شده است.

در سفر هیأت عالی‌رتبه کشورمان به ریاست جناب آقای دکتر پزشکیان، رئیس جمهوری محترم کشورمان به نیویورک برای شرکت در هشتادمین نشست عالی‌رتبه سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک و انجام بیش از ۲۰ ملاقات با همتایان، اندیشکده‌ها و صاحب‌های مطبوعاتی نیز موضوع تحریم‌های یک‌جانبه نامشروع و اساسی رایزنی‌ها بود. یکی از محورهای کلیدی برنامه‌های وزیر محترم امور خارجه کشورمان در هشتادمین نشست عالی‌رتبه سالانه مجمع عمومی سازمان ملل و انجام بیش از ۵۰ ملاقات با مقامات خارجی، همتایان و رؤسای سازمان‌های بین‌المللی و شرکت در سه نشست سطح عالی شورای امنیت نیز مسأله تحریم اقتصادی و مکانیسم ماشه بود. در این رایزنی‌ها، جمهوری اسلامی ایران موفق شد با خط‌مشی آمریکا و برخی کشورهای غربی مبنی بر تهدید صلح و امنیت بین‌المللی از سوی ایران و فعال شدن فصل هفتم منشور علیه کشورمان مقابله کند.

در جنگ ۱۲ روزه، برگزاری چهار نشست فوری و اضطراری شورای امنیت به درخواست ایران و

حمایت کشورهای همسو در شورا برای بررسی تجاوز رژیم صهیونیستی و جلب موضع دبیرکل در محکومیت تجاوز و رایزنی با اعضای دائم و غیردائم شورا برای حمایت از درخواست ایران، ابتکار عمل قابل‌توجهی بود. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در نیویورک از طریق ده‌ها دیدار و اقدام، به فضاسازی مثبت و سازنده کمک کرد. در جنگ ۱۲ روزه همچنین تعامل و مکاتبات گسترده‌ای با مجمع عمومی و شورای امنیت صورت گرفت. در زمینه ثبت مواضع رسمی کشور در موضوعات مختلف شامل مکاتبات خطاب به دبیرکل ملل متحد و رئیس شورای امنیت از جمله مکاتبات از طرف وزیر محترم امور خارجه، ابتکار عمل زیادی صورت گرفته است.

به درخواست کشورمان، نشست فوق‌العاده وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی با موضوع بررسی این تجاوز برگزار شد و قطعنامه‌ای قوی در حمایت از کشورمان و محکومیت حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان به تصویب رسید. این اجلاس در بحبوحه تجاوز نظامی نامشروع رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان در استانبول برگزار شد و هیأت کشورمان به ریاست وزیر امور خارجه در آن شرکت کرد. در نشست فوق‌العاده سران کشورهای عربی و اسلامی جهت محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی در تاریخ شهریورماه سال گذشته در دوحه، جناب آقای دکتر پزشکیان، رئیس جمهوری محترم کشورمان شرکت و طی سخنرانی، تجاوز رژیم صهیونیستی را محکوم و با همتایان حاضر رایزنی کرد.

وزیر امورخارجه کشورمان در نشست ۵۹ شورای حقوق بشر در محکومیت تجاوز نظامی ۱۲ روزه سخنرانی کرد. به ابتکار ایران، برگزاری رویداد جانبی سطح عالی با موضوع لزوم پاسداشت حقوق بین‌الملل در اولین روز نشست رؤسای مجالس کشورهای جهان در ژنو (مرداد ۱۴۰۴)، با استقبال کم‌نظیر رؤسای پارلمان‌های جهان مواجه شد و حدود ۱۰ نفر از آنها در حمایت از جایگاه حقه ایران سخنرانی کردند.

وزارت امور خارجه موفق شد محکومیت حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات شیمیایی و هسته‌ای کشورمان در جریان جنگ ۱۲ روزه را در

• یادداشت •

بیانیه جنبش عدم تعهد و چین در سی‌امین نشست کنفرانس دول عضو در آذر ۱۴۰۴ اخذ کند. طی رایزنی‌های گسترده، تجاوز آمریکا و رژیم اسرائیل به کشورمان در بیانیه گروه عدم تعهد در جریان نشست ۱۱۰ شورای اجرایی این سازمان محکوم شد.

بیانیه محکومیت تجاوز رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه و محکومیت حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران توسط مجامعی مانند گروه دوستان منشور ملل متحد، سازمان همکاری شانگهای و نشست سران بریکس، در عمل، تفسیر هژمونیک تجاوزگران از ماهیت حقوقی و عینی جنگ را بی‌اعتبار و به روایت ایرانی محوریت بخشید. کشورهای عضو بریکس چه به صورت دوجانبه و چه در قالب بیانیه‌ها اعم از بیانیه سران و بیانیه وزرای خارجه بریکس، تجاوز به ایران را محکوم کردند. سران بریکس حملات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را نقض حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد توصیف و آن را محکوم کردند. در همین بیانیه، حملات عمادانه صورت گرفته علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران به‌عنوان نقض حقوق بین‌الملل و قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توصیف و نسبت به آن شدیداً ابراز نگرانی شد. همه اینها به قوام دیپلماسی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران و قدرت تاب‌آوری و ائتلاف‌سازی آن صحنه گذاشته و موضع بخش نظامی را تقویت کرده است.

جریان‌سازی در کارزار حقوقی جنگ سوم

در دفاع مقدس سوم، کارزار حقوقی، جریان‌سازی و گفت‌مان‌سازی و کارزار سیاسی به صورت نظام‌مند و منسجم دنبال شد. تهیه و ارسال ۲۰۰ مکاتبه در حوزه‌های حقوقی و بین‌المللی و ثبت آنها به

• برش •

وزارت امور خارجه با پیش، دانش و اطلاعات نظام‌مند از تحولات و با رویکرد مدیریت بحران و با نگاه عملیاتی کوشید نه تنها به تکمیل مأموریت بخش نظامی و امنیتی کمک کند، بلکه از طریق ارائه مشورت‌های درست حقوقی و بین‌المللی به سلسله مراتب حاکمیتی، به شکل‌گیری راهبرد ملی جامع‌نگر هوشمند در مقابل محور خصم مساعدت کند

وتوی قطعنامه خطرناک شورای امنیت موضع حقوقی جمهوری اسلامی ایران راجع به قطعنامه ۲۸۱۷ شورای امنیت درباره تنگه هرمز، به‌عنوان سند رسمی شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد به ثبت رسید و در بین کشورهای عضو ملل متحد توزیع شد. از طریق رایزنی با روسیه و چین، عبارات مربوط به مجوز توسل به زور و اقدام نظامی علیه کشورمان در قطعنامه ۲۸۱۷ حذف شد، متعاقب آن، قطعنامه دوم پیشنهادی بحرین با حمایت آمریکا مبنی بر معرفی اقدامات ایران در تنگه هرمز به‌مثابه اقدام ذیل فصل هفت منشور، طی رایزنی گسترده با روسیه و چین رد و وتو شد. وتوی قطعنامه خطرناک شورای امنیت، روند مورد نظر دشمن را با شکست فاحش مواجه و معادله را معکوس کرد. بدین طریق، با رایزنی گسترده جهت جلوگیری از تصویب قطعنامه دوم بحرین در شورای امنیت و وتوی آن توسط چین و روسیه، قطعنامه دوم بحرین شکست خورد و در عمل امکان طرح قطعنامه ضدایرانی دیگر در شورای امنیت از بین رفت. در طول جنگ، به‌رغم ایستادگی در مقابل مطالبات غیرحرفه‌ای مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تعامل با آژانس برای مقابله با حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت قانون مجلس شورای اسلامی صورت گرفت. تهیه ۱۵ مکاتبه وزیر امور خارجه با اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی بین‌المللی، دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس شورای امنیت و اعضای شورای همکاری خلیج فارس درباره حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت پادمان از جمله راکتور بوشهر، از مهم‌ترین این اقدامات بود. گرچه آژانس موفق به انجام وظیفه حرفه‌ای نبود، اما اقدامات روشنگرانه و حقوقی دستگاه دیپلماسی، دارای آثار مثبت حقوقی و سیاسی برای منافع ایران قلمداد خواهد شد.

در سطح دیپلماسی عمومی و گفت‌مان‌سازی حقوقی، گزارش‌ها و اسناد متقنی به فارسی و انگلیسی تهیه و در سراسر جهان و سازمان‌های بین‌المللی توزیع شد. این گزارش‌های تبیینی، اسنادی و روشنگرانه، زیرساخت‌های حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی را تکمیل کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، دو مجموعه مجلد جامع «از همسایگی تا همدستی در نقض فاحه آمره متونوعی تجاوز» در ۵۲۰ صفحه به فارسی و انگلیسی و گزارش مستندسازی ۲۴۰ صفحه‌ای نقض‌های حقوق بین‌الملل در جریان جنگ رفشان به زبان فارسی و انگلیسی با عنوان «آیا حقوق بین‌الملل از عملیات خشم‌محور جان سالم به در می‌برد؟ نگاه اجمالی به تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان» به‌عنوان سند رسمی سازمان ملل ثبت شدند. نهایتاً کتاب جامع «۴۰ روز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران» به زبان فارسی و انگلیسی در ۱۳۰۰ صفحه منتشر شد. این کتاب دربردارنده گزارش‌های تبیینی، حقوقی و استنادی درباره عناصر مادی و معنوی تجاوزکارانه، مکاتبات مقامات جمهوری اسلامی ایران با مقامات سازمان ملل متحد، مکاتبات مقامات با سازوکارهای حقوق بشری، مکاتبات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه، سازمان‌های بین‌المللی علمی، آموزشی و فرهنگی و نیز بیانیه‌ها و مواضع دبیرکل سازمان ملل، بیانیه‌ها و مواضع سازوکارهای حقوق بشری و... است.

با عنایت به برنامه‌ریزی و اقدامات اجرایی وزارت امور خارجه، جایگاه جهانی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شایسته احترام است. در جنگ رمضان طی رایزنی گسترده با کشورهای منطقه نشان دادیم ایران خصومتی با آنها ندارد و از نظر نظامی مراکز و پایگاه‌هایی را در این کشورها هدف قرار می‌دهد که مصدر حمله نظامی به کیان ایران عزیز هستند.

مثابه سند سازمان ملل، نمونه باز آن است. برای اولین بار جلسه ویژه شورای حقوق بشر به درخواست ایران و در خصوص مدرسه میناب تشکیل شد و وزیر امور خارجه کشورمان و مادران شهدا در آن سخنرانی کردند. هماهنگی برای سفرهیأت‌های بین‌المللی به ایران برای بازدید و گزارش جنایت‌ها از جمله رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نماینده ویژه دبیرکل در امور خاورمیانه و دیدار آنها با وزیر امور خارجه و سایر مقامات ذیربط، فضاسازی خوبی در چارچوب نظام ملل متحد برای ایران اسلامی فراهم کرد. با ابتکار عمل وزارت امور خارجه، وزرا و رؤسای سازمان‌های ملی با مقامات سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های تخصصی ملل متحد از قبیل یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، واپیو، سازمان گردشگری ملل متحد و... درباره ابعاد معنوی و مادی تجاوز دشمن مکاتبه کردند. همه اینها مقوم موضع حقوقی و دفاع از مشروعیت اقدامات نظامی ایران به‌عنوان دفاع مشروع بود. در این مکاتبات، ابعاد تجاوز دشمن به بخش‌های غیرنظامی و ارتکاب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و نقض حقوق بشردوستانه تشریح شد. تعریف روایت ایرانی در چارچوب موازین منشور ملل متحد، آشکارا مقوم دیپلماسی بازدارندگی و تولید مشروعیت و فراگیری برای روایت ایرانی بود. در شورای امنیت، شرکت نمایندگان وزارت امور خارجه در نشست اضطراری شورای امنیت همراه با ارائه سخنرانی و تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران و حضور روشنگرانه رسانه‌ای و تشریح مواضع حقوقی ایران در قبال تجاوز و جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم ایران و پاسخ به سوالات مطروحه از سوی خبرنگاران، اثرگذاری بالایی داشت.

ملی، توسعه اقتصادی و نیازهای صلح و امنیت منطقه و جهان» و «تلاش‌های صادقانه برای کاهش تنش‌ها» سخن گفت. ایشان حدود دو ماه بعد نیز در اولین حضورش در سازمان ملل مواضعی کم و بیش مشابه مواضع اعلام شده در روزنامه تهران تایمز مطرح کرد. پزشکیان در این سخنرانی همچنین از برجام به عنوان یک توافق موفق یاد و تصریح کرد: «ایران آماده است با اعضای برجام وارد تعامل شود، مشروط بر اینکه تعهدات برجام به طور کامل و با حسن نیت اجرا شود».

پزشکیان در مقاله تهران تایمز و سخنرانی در سازمان ملل نشان داد که خواهان پیگیری یک سیاست خارجی متوازن و عمل‌گرایانه بود. مقاله تهران تایمز و سخنرانی در سازمان ملل استناد بسیار خوبی برای مقایسه آنچه پزشکیان می‌خواست با آنچه در عمل توانست انجام دهد، است. او با چنین سابقه و رویکردی در حوزه سیاست خارجی توانست نقش بسیار مهمی در کمک به برقراری آتش‌بس بعد از تجاوز متخلفانه آمریکا و اسرائیل علیه کشورمان ایفا کند. ایشان با اینکه در دوره جنگ ۴۰ روزه و در شرایط بسیار دشوار بعد از آن توانست دولت و نهادهای ملی را منسجم نگه دارد و آنها را در جهت انجام وظایفشان برای ارائه خدمات در حد مطلوب هدایت کند، نقش مهمی نیز در جهت کمک به کاهش تهدیدات و هدایت مذاکرات برای دور کردن بلای جنگ از سر کشور بازی کرد. در دوره جنگ از مجموعه اظهارات و کنش‌های سیاسی ایشان روشن بود که تلاش ایشان متوجه جلوگیری از گسترش جنگ و استفاده از تماس با کشورهای منطقه و جهان برای انتقال پیام‌های ایران و بازنگهداشتن مسیرهای دیپلماتیک و تلاش برای حرکت در جهت پذیرش آتش‌بس است. دکتر پزشکیان نقش مهم‌تری در جریان جنگ ۴۰ روزه که با ثرو رهبر شهید و شماری از دیگر سران کشور آغاز شد و ادامه یافت، ایفا کرد. با توجه به اینکه اولین اولویت هر دولتی با فاصله بسیار زیاد از اولویت‌های دیگر جلوگیری از تحمیل جنگی به کشور و مردم است و در صورت وقوع

• برش •

نقش پزشکیان در تلاش برای خروج از جنگ و دفاع از تقاضی‌که برای توقف جنگ ضروری بود و حمایت کامل از تیم مذاکره‌کننده به ریاست آقای قالیباف بسیار حائز اهمیت بود



دیپلمات پیشین

• یادداشت •

• برش •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

• یادداشت •

سید رسول موسوی، دیپلمات پیشین در گفت‌وگو با «ایران» از نقش اقتصادی و دیپلماسی دولت در بحبوحه جنگ گفت

عراقچی همان هدف نیروهای مسلح رادنبال می‌کند

•**گفت‌وگو.**

فاطمه غریبی/ در میانه جنگ، آنجا که میدان صرفاً با قدرت آتش و توان نظامی تعریف نمی‌شود، دیپلماسی نیز به بخشی از سازوکار صیانت از منافع ملی و مدیریت میدان تبدیل می‌شود که گاه برای صلح، گاه برای ادامه جنگ، گاه برای تسهیل شرایط آن و در نهایت برای پایان دادن به جنگ به کار گرفته می‌شود. در همین چارچوب، عملکرد وزارت امور خارجه دولت یزشکیان و تلاش‌های سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه‌اش برای عبور کشور از یکی از پیچیده‌ترین مقاطع امنیتی، اقتصادی و سیاسی بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازخوانی است. سید رسول موسوی، دیپلمات پیشین در گفت‌وگو با «ایران» از ضرورت مذاکره در شرایط جنگی و ملاحظات محرمانگی اطلاعات سخن می‌گوید و با اشاره به تجربه جنگ تحمیلی یادآور می‌شود که مدیریت افکار عمومی در چنین شرایطی خود بخشی از اداره جنگ است؛ چرا که بیان بی‌محایای واقعیت‌های اقتصادی و امنیتی می‌تواند ناخواسته به ابزار اطلاعاتی دشمن تبدیل شود. او همچنین بخشی از انتقادات به دیپلماسی را ریشه دار در رقابت‌های جناحی می‌داند.



اگر در زمان جنگ، نیروهای مسلح مأموریت دفاع از میدان را دارند و وزارت خارجه خارج مأموریت دفاع از منافع کشور در عرصه دیپلماسی را چرا مذاکره کردن و تلاش برای پایان دادن به جنگ باید از سوی منتقدان به عنوان عقب‌نشینی تفسیر شود؟

راهبر کشور در مورد مأموریت نیروهای مسلح و وزارت امور خارجه، باید واحد باشد و این دو نهاد نمی‌توانند اهداف متفاوتی را دنبال کنند. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، فرماندهی کل قوا و اختیارات مربوط به جنگ و صلح بر عهده مقام معظم رهبری است؛ بنابراین کشور نمی‌تواند همزمان دو راهبر دگانه برای جنگ و صلح داشته باشد. البته حتی در شرایط جنگ، پیگیری صلح اهمیت دارد، اما باید در چارچوب همان راهبر واحد و تحت فرماندهی یکپارچه انجام شود. در این شرایط نیز فرماندهی تعیین می‌کند چه زمانی مذاکره برای صلح یا برای پیشبرد اهداف جنگ دنبال شود؛ چراکه مذاکره برای صلح با مذاکره به عنوان یک تاکتیک در جریان جنگ متفاوت است.

برای مثال، در دوران جنگ ایران و عراق، وزیر امور خارجه وقت کشورمان همواره در حال مذاکره بود اما این مذاکرات در چارچوب شروطی انجام می‌شد که جمهوری اسلامی ایران برای پایان جنگ تعیین کرده بود. تا زمانی که حضرت امام خمینی (ره) تصمیم گرفتند شرایط جدیدی را بپذیرند و قطعنامه ۵۹۸ را قبول کردند، مذاکرات در چارچوب عدم پذیرش آن قطعنامه دنبال می‌شد. پس از پذیرش قطعنامه از سوی حضرت امام، طبیعتاً شکل و چارچوب مذاکرات نیز تغییر کرد. در مورد جنگ با آمریکا هم باید بسیار دقیق عمل کرد. ممکن است در سطح تاکتیک، درباره چگونگی مذاکره با طر حرح برخی موضوعات بحث‌هایی وجود داشته باشد، اما بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تشخیص و تعیین این مسائل نیز در نهایت بر عهده رهبری است. کشور باید دارای یک راهبر واحد و تحت یک فرماندهی باشد.

آیا بازدارندگی فقط در میدان نظامی شکل می‌گیرد یا دیپلماسی هم می‌تواند ابزار نگه داشتن مسیرهای سیاسی و جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید علیه ایران به قدرت بازدارندگی کشور کمک کند؟

بازدارندگی صرفاً نظامی نیست اما بدون توان نظامی شکل نمی‌گیرد و یک «وضعیت» است که با مجموعه‌ای از مؤلفه‌های قدرت از جمله توان نظامی، سیاسی و اقتصادی، ایجاد می‌شود. هدف آن انتقال این پیام روشن به طرف مقابل است که هرگونه اقدام نظامی، هزینه و ضربه سنگین‌تری برای او به همراه خواهد داشت. بنابراین، صرف معادلات سیاسی نمی‌تواند بازدارندگی واقعی ایجاد کند.

برخی کشورها از طریق پیمان‌ها و ائتلاف‌های نظامی به این وضعیت می‌رسند. برای مثال، درگیری‌های جاری میان روسیه و اوکراین را ببینید. اوکراین به این جمع‌بندی رسیده که یکی از راه‌های حفظ وضعیت خود، عضویت در ناتو است. اساساً ناتو و پیمان‌های نظامی با هدف ایجاد نوعی وضعیت بازدارندگی شکل گرفته‌اند. با همین پیمان مکه که اخیراً میان ترکیه، عربستان و پاکستان امضا شد. هدف اعلامی این پیمان، ایجاد بازدارندگی است. اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، بنیان آن نیز در نهایت نظامی است؛ به این معنا که اگر هر یک از این کشورها مورد حمله قرار بگیرد، گویی دو کشور دیگر نیز مورد حمله قرار گرفته‌اند. اینکه این پیمان در عمل تا چه اندازه معتبر و قابل اجراست، بحث دیگری است. برای مثال، عربستان در همین روزها مورد حمله انصارالله قرار گرفته و ترکیه نیز سوریه با حمله اسرائیل مواجه شده است، اما در عمل نشانه‌ای از فعال شدن این پیمان دیده نشده است. البته بحث من درباره عملکرد این پیمان نیست، بلکه می‌خواهم بر ماهیت مفهوم بازدارندگی تأکید کنم.

عراقچی در میانه جنگ همچنان در حال رایزنی با طرف‌های خارجی بود؛ اگر قرار بود دیپلماسی

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

در جریان جنگ

مهار تنش بیرونی

پیش از رسیدن به سفره مردم



در ماه‌های عادی، وقتی از دیپلماسی اقتصادی سخن می‌گوییم، معمولاً ذهن به سمت افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری، برگزاری کمیسیون‌های مشترک و توسعه روابط تجاری می‌رود. اما شرایط بحرانی تعریف متفاوتی از دیپلماسی اقتصادی به دست می‌دهد. وقتی مسیرهای متعارف تجارت مختل می‌شوند، هزینه حمل‌ونقل و بیمه بالا می‌رود و تأمین برخی نیازهای کشور با موانع تازه‌ای روبه‌رو می‌شود، مسأله دیگر «توسعه روابط اقتصادی» نیست؛ حفظ جریان تجارت است و جلوگیری از انتقال فشارهای بیرونی به اقتصاد داخلی و معیشت مردم. تجربه ماه‌های پرتنش به اخیراز همین جهت قابل تأمل بود. محدودیت‌های ایجادشده در مسیرهای دریایی جنوب کشور طبعاً بدون اثر اقتصادی نبود؛ بخش مهمی از تجارت خارجی ایران از دریا انجام می‌شود و هر اختلالی در این مسیر از افزایش ریسک تا هزینه بیمه و دشوار شدن برنامیزی شرکت‌های کشتیرانی می‌تواند بر زنجیره تأمین اثر بگذارد. در چنین وضعیتی، وظیفه وزارت امور خارجه صرفاً توضیح شرایط یا پیگیری سیاسی موضوع نیست؛ باید همزمان برای کاهش آثار اقتصادی آن نیز کار کرد. شاید مهم‌ترین درس این دوره همین باشد: در شرایط بحران، دیپلماسی اقتصادی بیش از آنکه هنر انتقاد قراردادهای جدید باشد، هنر باز نگه داشتن مسیرهاست؛ مسیری که گاهی ورود یک کالای اساسی است، گاهی حرکت یک کامیون، گاهی یک کانال بانکی و گاهی رابطهای سیاسی که باید در لحظه مناسب برای حل یک مسأله اقتصادی به کار گرفته شود. ممکن است از بیرون تأمین یک کالای اساسی فرآیند نسبتاً ساده‌ای به نظر برسد؛ دستگاه مسئول، نیاز کشور را اعلام می‌کند، فروشنده‌ای پیدا می‌شود، خرید صورت می‌گیرد و کالا وارد کشور می‌شود. در شرایطی که در شرایط تحریم و بحران، موضوع پیچیده‌تر است. فروشنده باید آمادگی معامله داشته باشد؛ مسیر پرداخت باید وجود داشته باشد؛ بانک‌های درگیر باید بتوانند عملیات را انجام دهند؛ درباره استناد، حمل، بیمه و تحویل توافق شود؛ دستگاه‌های داخلی تصمیم‌های لازم را در زمان مناسب اتخاذ کنند و در مواردی نیز دولت طرف خارجی اطمینان لازم را برای ادامه معامله فراهم کند. اختلال در هر حلقه می‌تواند کل زنجیره را متوقف کند. بخش قابل توجهی از فعالیت دیپلماسی اقتصادی در ماه‌های اخیر در همین فاصله میان «نیاز کشور» و «رسیدن کالا» صورت گرفته است؛ فاصله‌ای که در شرایط عادی کمتر دیده می‌شود اما در شرایط دشوار اهمیتش آشکار می‌شود.

ایجاد کانال مهم ارتباطی در چرخه تأمین کالا

در مواردی لازم بوده است وزارت امور خارجه، دستگاه مسئول تأمین کالا، بانک مرکزی، شبکه بانکی، سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران و طرف‌های خارجی را کنار یکدیگر قرار دهد تا یک مانع مشخص برطرف شود. در موارد دیگر، مسأله نه اصل خرید بلکه چگونگی پرداخت یا حمل کالا بوده است؛ گاهی نیز یک موضوع اقتصادی تنها زمانی حل‌شدنی بوده که در سطح سیاسی با دولت مقابل مطرح شود. در چنین مواردی، وزارت امور خارجه جای دستگاه تجاری، بانک یا وزارتخانه تخصصی را نمی‌گیرد و اساساً نباید چنین کند. کار اصلی آن ایجاد ارتباط میان حلقه‌هایی است که بدون این ارتباط هر یک ممکن است وظیفه خود را انجام دهند اما نتیجه نهایی حاصل نشود. وقتی مسیر دریا دشوار می‌شود، جغرافیا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند یکی دیگر از پیامدهای شرایط اخیر، افزایش اهمیت مرزهای زمینی و مسیرهای ترانزیتی کشور بوده است. ایران از معدود کشورهای منطقه است که هم به آب‌های آزاد دسترسی دارد و هم از طریق مرزهای زمینی متعدد به مجموعه بزرگی از بازارها و مسیرهای ترانزیتی متصل است. در شرایط عادی این ویژگی یک مزیت اقتصادی است؛ در شرایط بحران، بخشی از ظرفیت تاب‌آوری کشور می‌شود. اما داشتن مرز کافی نیست؛ مرز باید کار کند. در بررسی وضعیت برخی گذرگاه‌های مهم کشور از جمله بازارگان و نوردوز با مسائلی مواجه بوده‌ام که در ظاهر فنی و اجرایی‌اند اما آثار اقتصادی قابل توجهی دارند: توقف کامیون‌ها، تفاوت تعداد کالای گمرک‌های دو طرف، اختلال سامانه‌ها، تعدد دستگاه‌های مستقر در مرز، بازرسی‌های طولانی، مسائل مربوط به سوخت و ناهماهنگی میان نهادهای گمرک خود برک از اینها می‌تواند ظرفیت واقعی یک گذرگاه را به‌طور محسوسی کاهش دهد. اگر چند صد کامیون برای مدت طولانی در یک مرز متوقف شوند، موضوع صرفاً «صف کامیون» نیست؛ یعنی سرمایه متوقف‌شده، کالای دیررس، هزینه بیشتر حمل‌ونقل، کاهش قابلیت‌پیش‌بینی تجارت و در نهایت هزینه‌ای که بخشی از آن به تولیدکننده یا مصرف‌کننده منتقل می‌شود. از همین رو مسائل مرزی را نمی‌توان صرفاً مسأله گمرک یا راهداری دانست.

حل موانع مرزی و فعال‌سازی ظرفیت همسایگی بخشی از مشکل باید در داخل کشور، با اصلاح فرآیندها و هماهنگی دستگاه‌ها حل شود؛ اما آنجا که مسأله به عملکرد کشور مقابل مربوط است، دیپلماسی اقتصادی وارد میدان می‌شود؛ از مذاکره درباره ساعات فعالیت گمرک‌ها و افزایش ظرفیت پذیرش کامیون گرفته تا پیگیری توافقات قبلی، فعال کردن سازوکارهای مشترک، حل مشکلات رانندگان و شرکت‌های حمل‌ونقل و ارائه مستندات مشخص درباره تهمداتی که طرف مقابل به آن عمل نکرده است. تجربه این مدت یک نکته را روشن‌تر کرده است؛ مرز کارآمد خود یک دارایی اقتصادی است. ارزش یک مرز را نباید فقط با طول جاده یا تعداد گیت‌هایش سنجید؛ باید دید در یک شبانه‌روز چه میزان کالا با هزینه و زمان معقول از آن عبور می‌کند. همسایگان را فراتر از بازار صادراتی سال‌هاست در ادبیات اقتصادی کشور اما معمولاً این اهمیت تنها با ظرفیت صادرات ایران به کشورهای پیرامونی توضیح داده می‌شود. تجربه شرایط اخیر نشان داد باید نگاه وسیع‌تری داشت؛ کشورهای پیرامونی ایران می‌توانند بخشی از شبکه تأمین، حمل‌ونقل، ترانزیت و اتصال ایران به اقتصاد منطقه و جهان باشند. در این نگاه، ترکیه یکی از مهم‌ترین مسیرهای زمینی اتصال کشور به اروپاست.

ارمنستان صرفاً بازاری چندمیلیونی نیست؛ بخشی از مسیر ارتباطی ایران با قفقاز و اوراسیاست. کشورهای آسیای مرکزی علاوه بر ظرفیت واردات کالاهای ایرانی، حلقه‌هایی از کریدورهای شرقی و شمالی کشورند. پاکستان در کنار ظرفیت تجاری خود، مسیر ارتباطی ایران با شبه‌قاره است. کشورهای جنوبی خلیج فارس نیز علاوه بر تجارت دوجانبه از نظر شبکه بانکی، لجستیک و دسترسی به بازارهای جهانی اهمیت دارند. اگر همسایه را صرفاً مشتری ببینیم، سیاست ما بر افزایش صادرات متمرکز می‌ماند؛ اما اگر آن را بخشی از شبکه اقتصادی منطقه بدانیم، راه‌ان، جاده، گمرک، بنادر، استانداردها، نظام پرداخت، لجستیک و تسهیل عبور کالا به همان اندازه اهمیت پیدا می‌کند.

تاب‌آوری اقتصادی

در گرو اتصال به محیط پیرامونی

شرایط دشوار ماه‌های اخیران واقعیت را ملموس‌تر کرد که تاب‌آوری اقتصادی ایران تا حد زیادی به کیفیت اتصال آن به محیط پیرامونی وابسته است. بسیاری از گر‌ها کوچک‌اند؛ آثارشان کوچک نیست. در دیپلماسی اقتصادی تمایل طبیعی وجود دارد که موفقیت‌ها با ارقام بزرگ سنجیده شوند؛ حجم تجارت، میزان سرمایه‌گذاری یا ارزش قراردادهای امضا شده. این شاخص‌ها مهم‌اند اما همه واقعیت را نشان نمی‌دهند؛ بخش قابل توجهی از کار روزمره دیپلماسی اقتصادی، حل مسائلی است که شاید هیچ‌گاه تیت‌ز خبر نشوند. ممکن است یک محموله به دلیل اختلاف بر سر یک سند متوقف شده باشد، بانکی درباره انجام یک پرداخت ملاحظه‌ای داشته باشد، ساعات فعالیت دو گمرک با یکدیگر هماهنگ نباشد، کامیون‌های ایرانی در کشور مقابل با رویه‌ای مواجه شوند که هزینه حمل را بالا می‌برد، یا تصمیمی در یک کمیسیون مشترک گرفته شده باشد اما قوه مجریه کشور مقابل آن را اجرا نکرده باشد. هیچ‌کدام از این موارد به تنهایی اتفاق بزرگی نیست، اما تکرار همین اصطکاک‌های کوچک می‌تواند تجارت را گران و غیرقابل پیش‌بینی کند. از این منظر، یکی از وظایف مهم دیپلماسی اقتصادی کاهش «اصطکاک» در روابط اقتصادی خارجی است. هر مانعی که از مسیر تجارت برداشته شود شاید در آمارهای کلان فوراً دیده نشود، اما برای شرکتی که کالایش متوقف شده، راننده‌ای که چند روز پشت مرز مانده یا تولیدکننده‌ای که منتظر ماده اولیه است، کاملاً واقعی است. وزارت خارجه باید «اتصال‌دهنده» باشد در ساختار دولت، وزارت امور خارجه نه صاحب کالاهای اساسی است، نه گمرک را اداره می‌کند، نه مسئول تخصیص ارز است و نه جاده و راه‌آهن می‌سازد. بنابراین سنجش عملکرد دیپلماسی اقتصادی بر اساس وظایفی که قانوناً برعهده دستگاه‌های دیگر است، از اساس درست نیست. اما وزارت امور خارجه یک امکان دارد که بسیاری از دستگاه‌ها دارند؛ شبکه‌ای از روابط سیاسی و نمایندگی‌ها در خارج از کشور و امکان تبدیل یک مسأله داخلی به موضوع مذاکره با طرف خارجی. به همین دلیل، شاید مناسب‌ترین توصیف برای نقش معاونت دیپلماسی اقتصادی، نقش «اتصال‌دهنده» باشد. یک مسأله ممکن است در وزارت جهاد کشاورزی آغاز شود، بخشی از آن به بانک مرکزی مربوط باشد، حمل آن نیازمند هماهنگی وزارت راه باشد و حل نهایی آن مستلزم مذاکره سفارت جمهوری اسلامی ایران با یک وزارتخانه یا بانک خارجی باشد؛ اگر این اجرا جدا از یکدیگر حرکت کنند، احتمالاً هر دستگاه بخشی از وظیفه خود را انجام خواهد داد، اما مسأله لزوماً حل نمی‌شود. ارزش افزوده وزارت امور خارجه در چنین مواردی این است که مسأله را تا رسیدن به نتیجه دنبال کند؛ بداند گره در کدام حلقه قرار دارد و در چه سطحی باید برای باز کردن آن اقدام کرد. البته همه مشکل در خارج نیست.

راهی برای ارزان‌تر کردن ارتباط ایران با جهان

نسبت دادن همه دشواری‌های تجارت خارجی به تحریم، بحران یا رفتار کشورهای مقابل، تحلیل دقیقی نیست. بررسی‌های اخیر درباره برخی مرزهای کشور نشان می‌دهد بخشی از هزینه‌هایی که فعال اقتصادی تحمل می‌کند ناشی از مسائل داخلی است؛ تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر، تداخل وظایف، سامانه‌های متعدد و گاه ناهماهنگ، طولانی بودن برخی فرآیندها و ضعف در ثبت و مستندسازی مشکلات. این موضوع از منظر دیپلماسی نیز اهمیت دارد؛ مذاکره با طرف خارجی زمانی مؤثر است که دقیقاً بدانیم مشکل کجاست. اگر ادعا کنیم یک گمرک خارجی به تعهد خود عمل نکرده است، باید بدانیم روز، ساعت، تعداد کامیون و نوع اختلال را مشخص کنیم؛ اگر از رفتار نامناسب با رانندگان یا دریافت هزینه اضافی دو کشور، باید پرونده مستند داشته باشیم. طرف‌های خارجی معمولاً در مذاکرات اقتصادی با آمار و مصداق وارد جلسه می‌شوند و ما نیز باید همین استاندارد را داشته باشیم. بنابراین دیپلماسی اقتصادی موفق دو وجه دارد: مطالبه‌گری در خارج و اصلاح در داخل. یکی بدون دیگری نتیجه کامل نمی‌دهد. معیار موفقیت در روزهای دشوار طبیعی است که با عبور از شرایط بحرانی، دوباره موضوعاتی مانند افزایش صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی، پروژه‌های مشترک و قرار گیرد. اما تجربه ماه‌های اخیر نباید فراموش شود؛ زیرساخت واقعی دیپلماسی اقتصادی فقط مجموعه‌ای از موافقت‌نامه‌ها و کمیسیون‌های مشترک نیست؛ شبکه‌ای از سفارتخانه‌ها، روابط کاری با دولت‌های دیگر، مسیرهای ترانزیتی، ارتباطات بانکی، سازوکارهای مرزی و توان هماهنگ‌کردن دستگاه‌های داخلی نیز بخشی از همین زیرساخت است. در روزهای عادی شاید موفقیت دیپلماسی اقتصادی را با افزایش چند میلیارد دلاری تجارت اندازه بگیریم. در روزهای دشوار، شاخص‌های ساده‌تری اهمیت پیدا می‌کنند: آیا مسیر تأمین یک کالای مورد نیاز کشور باز مانده است؟ آیا برای یک مسأله مختل شده، جایگزینی پیدا شده است؟ آیا کامیون‌ها سریع‌تر از مرز عبور می‌کنند؟ آیا مانعی که انتقال پول با حمل کالا را متوقف کرده بود، برطرف شده است؟ آیا کامیون‌ها پرسش‌ها را شاید همیشه در آمار رسمی یا اخبار روزانه دیده نشود؛ همان‌جا که یک کامیون پشت مرز یا یک کانال بانکی مسدود، سرنوشت واقعی دیپلماسی اقتصادی را رقم می‌زند. ارزش این دیپلماسی نیز در نهایت باید در همین نقطه سنجیده شود؛ اینکه سیاست خارجی تا چه اندازه توانسته هزینه ارتباط اقتصاد ایران با جهان را کاهش دهد و مانع از آن شود که تنش‌های خارجی، مستقیماً و با تمام شدت، به اقتصاد داخلی و زندگی مردم منتقل شود.

۹۹

پایداری

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران

برای ایران



• گفت‌وگو •

در شرایطی که دولت چهاردهم از اولین روزهای فعالیت خود با مجموعه‌ای از بحران‌ها و تهدیدات امنیتی روبه‌رو شد، پزشکیان تلاش کرد میان ضرورت‌های میدان، الزامات دیپلماسی و حفظ انسجام داخلی تعادل برقرار کند؛ رویکردی که به گفته ابراهیم متقی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران به جای قرار دادن مقاومت و مذاکره در برابر یکدیگر، آنها را به دو ابزار مکمل برای حفظ قدرت ملی و عبور از بحران تبدیل کرد. متقی معتقد است پزشکیان در طول جنگ و پس از آن، با پرهیز از تفکیک میان میدان و دیپلماسی و با تکیه بر همکاری میان ارکان مختلف ساختار سیاسی توانست نقش «بازنگسر موازنه‌گر» را ایفا کند؛ نقشی که از نگاه او در حفظ انسجام ساختاری کشور و فراهم شدن زمینه برای بازگشت به مسیر مذاکره مؤثر بود.

دولت پزشکیان در جنگ رمضان
همزمان با دو کار دشوار راپیش برد؛ هم‌ایستادگی در برابر حمله‌ها را حفظ کرد و هم با تأمین نیازهای مردم و حفظ جریان زندگی، پشتوانه اجتماعی و وحدت داخلی را نگه داشت. از نگاه شما

این رویکرد چقدر در توان نظامی کشور برای ادامه جنگ مؤثر بود؟

پزشکیان در زمره رؤسای جمهوری می‌باشد که «دولت کنار و خدمات‌رسانی» را مدیریت می‌کند. پزشکیان به این موضوع واقف است که ساخت سیاسی ایران در معرض تهدیدات گسترده بوده و در نتیجه تمایلی به اتخاذ بازی‌های سیاسی و جناح‌گرایی ندارد. اگرچه کابینه پزشکیان دربرگیرنده کارگزاران و افرادی است که دارای انگاره‌های اصلاح‌طلبی می‌باشند، اما واقعیت آن است که پزشکیان موفق شد تا به نتایج مطلوبی برای تحقق اراده، مأموریت و آموزه‌های ادراکی خود در ارتباط با اعطای خدمات به گروه‌های شهروندی نایل شود.

پزشکیان از روزی که مسئولیت اداره امور اداری و اجرایی کشور را عهده‌دار شد، با نشانه‌هایی از تهدید پر دامنه روبه‌رو گردید. تهدید و چالش‌های امنیتی، واقعیت‌های دوران خدمت رئیس‌جمهوری است که از انگیزه همکاری همه‌جانبه با سیاست بین‌الملل برخوردار بوده، اما در دوران تاریخی مسئولیت‌امور را عهده‌دار شد که با نشانه‌هایی از جنگ، بحران و آشوب مواجه شد. هر یک از نشانه‌های یاد شده، بخشی از واقعیت سیاست تهاجمی آمریکا و اسرائیل علیه ایران را منعکس می‌سازد.

بر اساس چنین ادراکی است که پزشکیان در روند جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، تمامی تلاش خود را به انجام رساند تا عامل مقوم و

اثربخشی برای ارتقای قدرت ملی ایران باشد. پزشکیان واقعیت‌های نهفته جامعه ایرانی را منعکس ساخت اما به دلیل حفظ انسجام و بهینه‌سازی خروجی‌های راهبردی کشور «الگوی پذیرش دوفاکتو» برخی از سیاست‌ها و کارگزاران را در دستور کار قرار داد. بهره‌گیری از چنین رویکردی را می‌توان به‌عنوان بخشی از «ضرورت ساختاری» و «روحیه تجمع و تداوم» در انگیزه و کنش رفتاری پزشکیان دانست. «ولیفردو پارتو» در تبیین ویژگی‌های نخبگان در ساخت سیاسی کشورها؛ افرادی را به مثابه کارگزاران اجرایی مطلوب برای تصدی مسئولیت حکومتی تلقی می‌کند که انگاره ساختاری و کنش رفتاری فرد معطوف به حفظ انسجام اجتماعی، همبستگی ساختاری، درهم‌تنیدگی نخبگان حکومتی و ارتقای بازدهی عمومی ساختار در شرایط تهدیدات و چالش‌های امنیتی باشد. انگاره معطوف به تجمع نخبگان و انسجام‌گرایی پزشکیان، به حوزه ساختار بوروکراتیک و نظامی را با یکدیگر به میزان قابل‌توجهی هماهنگ نمود به گونه‌ای که آنان واقعیت‌های نقش ساختاری و سازمانی هر یک را به‌عنوان بخش اجتناب‌ناپذیر ضرورت حفظ نظام و اجتناب از پراکندگی در دوران تهدیدات نظامی مورد پذیرش قرار دهند.

برخی تصور می‌کردند با آغاز جنگ، دولت باید دیپلماسی را کنار بگذارد و همه ظرفیت کشور را به میدان نظامی اختصاص دهد؛ اما پزشکیان حتی در اوج درگیری، مسیر دیپلماسی را متوقف نکرد. نظر شما چیست؟

دولت پزشکیان نسبت به واقعیت‌های دوران جنگ و تهدیدات پر دامنه دشمن وقوف همه‌جانبه دارد. اگرچه

جهت‌گیری سیاسی و انگاره کنش اجتماعی پزشکیان ماهیت اصلاح‌طلبانه دارد، اما می‌توان به این موضوع اشاره کرد که نامبرده همواره ضرورت‌های ساختاری را بر جریان‌های سیاسی و جناح‌گرایی نخبگان ترجیح می‌داد. پزشکیان به این موضوع واقف بود که جریان‌ات سیاسی سرافار در شرایطی قادر خواهند بود تا رقابت آزاد و دموکراتیک را در دستور کار قرار دهند که انسجام سیاسی، همبستگی ساختاری و کنش ارتباطی آنان حفظ شود.

پزشکیان به شاخص‌های دولت بوروکراتیک در جمهوری اسلامی واقف بوده و می‌دانست که هرگونه همکاری و مشارکت سازمان‌یافته نیازمند شناخت واقعیت‌های متمایز شده ساخت قدرت در کشور می‌باشد. اگرچه برخی از نظریه‌پردازان موضوعات توسعه از جمله «هائیتکسون» به این موضوع اشاره دارند که کارگزاران کشورهای در حال توسعه با بهره‌برداری در «افزایش قدرت» و «عبور ساختاری» می‌باشند، اما پزشکیان به این واقعیت آشنا و متعهد بود که انسجام سیاسی کشور بویژه در دوران تهدیدات متراکم و چند شاخه، فراتر از هر موضوع دیگری ارزش داشته و برای تحقق این موضوع حداکثر توان خود را به کار گرفت.

پزشکیان، واقعیت‌های جامعه در حال نبرد با تهدیدات خارجی بویژه آمریکا و اسرائیل را مورد توجه قرار داده و به این موضوع واقف بود که عبور از تهدیدات نیازمند یکپارچگی ساختاری است.

محور اصلی تفکر پزشکیان را می‌توان بهره‌گیری از «راهبرد بقا» برای «گذار از تهدید به عصر خشونت» دانست. به همین دلیل است که حداکثر تلاش خود برای بهینه‌سازی معادله قدرت، ارتقای خدمات عمومی به گروه‌های شهروندی و همچنین همبستگی

ابراهیم متقی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

بازنگر موازنه‌گر میدان و دیپلماسی

نیروهای سیاسی و بوروکراتیک را به انجام رساند.

پزشکیان هیچ‌گاه در صدد برنیامد تا «حوزه میدان و دیپلماسی» را از یکدیگر تفکیک نماید. اگرچه پزشکیان دارای تخصص پزشکی می‌باشد، اما انگاره‌های جامعه‌شناختی «وبری» و «ریسون آرون» درباره چگونگی پیوند حوزه دیپلماتیک و استراتژی را در عمل به مرحله اجرا گذاشت. علت اصلی چنین انگاره و تفکری را می‌توان در ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهوری مورد توجه قرار داد. هرگاه فردی که مسئولیت اجرایی دارد، نشانه‌هایی از «عام‌گرایی» و «مسئولیت‌پذیری ساختاری» را در دستور کار قرار دهد، طبیعی است که قادر خواهد بود تا «مدیریت ثبات سیاسی» در دوران گذار را عهده‌دار شود.

پزشکیان در انتخابات با مردم درباره تکیه بر مذاکره و دیپلماسی صحبت کرده بودو حتی پس از جنگ نیز از این وعده عقب‌نشینی نکرد. در مقطعی که فضای کشور تا حدودی ضد مذاکره شده بود، رئیس‌جمهوری چگونه توانست میان ایستادگی در برابر دشمن و باز نگه داشتن مسیر مذاکره تعادل ایجاد کند؟

ساخت سیاسی و الگوی کنش رفتاری ایران در زمره کشورهای پیچیده محسوب می‌شود، بنابراین «سیاست اعلامی» و تهدید و مزایای «سیاست عملی» آن به گونه‌ای با یکدیگر پیوند می‌خورد که قابلیت همکاری و تمایز کنش الگویی کارگزاران را به وجود می‌آورد. زیرساخت‌های فکری پزشکیان و گروه‌هایی که با وی انگاره‌های سیاسی و تشکیلاتی را پیوند داده‌اند، معطوف به دیپلماسی، پایان دادن به تحریم‌ها، همکاری‌های بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است.

پزشکیان در اولین روزهای زمامداری با این واقعیت روبه‌رو شد که ساخت سیاست بین‌الملل، ماهیت آتارشیک دارد. «تهدیدات پایان‌ناپذیر» به‌عنوان واقعیت ساختاری نظام جهانی علیه کشورهای انقلابی به کار گرفته می‌شوند. پزشکیان در جریان مذاکرات دیپلماتیک کارگزاران وزارت امور خارجه را نمایندگان ترامپ در مسقط و ژنو قرار داشت. پزشکیان در سه مرحله آشنای با این واقعیت روبه‌رو شد که فرماندهان نظامی، رهبران سیاسی و نهادهای راهبردی ایران در شرایطی مورد تهدید قرار گرفته‌اند که حوزه دیپلماسی ایرانی در حال مذاکره بودند.

در چنین شرایطی طبیعی است که عرصه دیپلماسی نمی‌تواند محور اصلی سیاست و الگوی کنش رفتاری کشور محسوب شود. پزشکیان همچنین به این واقعیت پی برد که «ایفا سیاسی و ساختاری» صرفاً از طریق «اراده معطوف به مقاومت» حاصل می‌شود. بنابراین پزشکیان توانست تعادلی در حوزه میدان و انسجام‌بخشی باشد، طبیعی است که زمینه درهم‌تنیدگی عالی امنیت ملی را به‌عنوان بازنگر موازنه‌گر مورد توجه و پذیرش قرار داد.

جنگ و شهادت برخی از فرماندهان و کارگزاران سیاسی، چالش‌های فراوری پزشکیان را افزایش داد.

محور اصلی کنش سیاسی و ساختاری پزشکیان را می‌توان تعادل بخشی عرصه سیاسی، اقتصادی و راهبردی کشور دانست. دیپلماسی می‌تواند مسیر همکاری‌های بین‌المللی برای صلح را فراهم آورد. همان گونه‌ای که ضرورت‌های کنش راهبردی و نهادهای سیاسی کشور نیز بخش قابل توجهی از عرصه مقاومت را تشکیل می‌دهند. پیوند دو حوزه یاد شده تاکنون زمینه لازم برای حفظ انسجام ساختاری و بهینه‌سازی معادله قدرت را فراهم آورده است. اگرچه بخشی از فرآیند یاد شده، تابعی از ضرورت‌های دوران بحران، تهدید و منازعه می‌باشد، اما بخش دیگر آن را می‌توان ناشی از ویژگی‌های شخصی رئیس‌جمهوری دانست که دارای انگاره عام‌گرا و انسجام‌گرا با رویکرد معطوف به همکاری‌های چندجانبه است.

• برش •

اگر بخوانید از عملکرد سیاست خارجی دولت پزشکیان در فاصله انتخابات تا جنگ و سپس مذاکرات اسلام‌آباد یاد کنید، مهم‌ترین واقعیتی که منتقدان این دولت نمی‌بینند چیست؟

منتقدان دولت پزشکیان را می‌توان گروه‌هایی در ساخت سیاسی و بوروکراتیک کشور دانست که اولاً نسبت به ضرورت‌های مقاومت در برابر تهدیدات واقف می‌باشند. این گروه از کارگزاران سیاسی و گروه‌های اجتماعی اگرچه از ادبیات انتقادی نسبت به دولت و سیاست‌های پزشکیان بهره می‌گیرند، اما واقعیت آن است که چنین انگاره‌ای می‌تواند بخش دیگری از پشتوانه سیاسی و ساختاری رئیس‌جمهوری و گروه‌های مذاکره‌کننده ایرانی در روند دیپلماسی را نیز منعکس سازد.

ایران در دوران جنگی پرمخاطره قرار دارد. هر کشوری که حوزه امنیت ملی آن تحت‌الشعاع کنش عملیاتی و الگوی رفتار نظامی قدرت‌های بزرگ قرار گیرد، طبیعی است که انگاره‌های مختلفی را برای دفاع از خود در دستور کار قرار می‌دهد. چگونگی متوازن‌سازی حوزه دیپلماسی و نظامی در هر کشوری و هر دوران تاریخی، کاری مشکل می‌باشد. چنین واقعیتی حتی در آمریکای دوره «هری ترومن» نیز مشاهده می‌شود. هری ترومن رئیس‌جمهوری آمریکا مباردت به برکناری «مک‌آرتور» فرمانده نظامی جنوب شرق آسیا در روند جنگ کره نمود.

چنین الگوی رفتاری، ماهیت کنش سازمانی دولت‌های بوروکراتیک را نشان می‌دهد. در ایران که ساخت قدرت، نشانه‌هایی از تمایز، موازنه، همکاری و رقابت را منعکس می‌سازد، طبیعی است که الگوی کنش ارتباطی رهبری، ریاست‌جمهوری، عرصه نظامی و حوزه امنیتی مبتنی بر نشانه‌هایی از همکاری و توجیه دیگری می‌باشد. در این فرآیند هیچ‌گونه تعارض معناداری ایجاد نمی‌شود. اگرچه برخی از جابه‌جایی‌ها در حوزه امنیت ملی ایران شکل گرفت، اما این امر را می‌توان انعکاس ساخت سیاسی و معادله قدرت در ایران دانست که هیچ‌گونه تأثیر معناداری در حوزه تصمیم‌گیری راهبردی و سیاست‌گذاری امنیتی به‌جا نمی‌گذارد. هرگاه ارادۀیشه رئیس‌جمهوری به‌عنوان شخص دوم اجرایی کشور مبتنی بر همکاری و انسجام‌بخشی باشد، طبیعی است که زمینه درهم‌تنیدگی حوزه میدان و دیپلماسی برای نیل به ثبات، تعادل، مقاومت و صلح حاصل می‌شود.

دیپلماتیک برای مدیریت تنش‌هاست و این امر، به‌عنوان یک نقطه قوت در سیاست خارجی کشور محسوب می‌شود .

بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی
از دیگر اقدامات باید اید امور خارجه در این دولت، معطوف به ایفای نقش پشتیبان اقتصادی برای کشور و بخش خصوصی بود. در شرایطی که تهدیدهای نظامی، تحریم‌ها و محاصره، فضای تجارت منطقه‌ای را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده بود، وزارت امور خارجه با بهره‌مندی از ابزارهای دیپلماتیک و رایزنی‌های سیاسی، با اولویت‌بندی کردیدورهای اقتصادی ورودی و تسهیل فرآیند مالی، تلاش کرد بستر برای تداوم جریان کالا، انرژی و ترانزیت فراهم آورد. این رویکرد، اگرچه در سایه اخبار مهم کمتر دیده شد اما در عمل، یکی از اقدامات کلیدی بود. وزارت امور خارجه با درک اهمیت شفاف‌سازی و ایجاد اعتماد، بلافاصله پس از هر دور مذاکره با همسایگان کلیدی تماس گرفته و آخرین تحولات را با آنها در میان می‌گذارد. این رویکرد هوشمندانه، که مبتنی بر این درک است که همسایگان نباید از فرآیند مذاکرات احساس حذف یا نادیده‌گرفته شدن کنند، علاوه بر جلوگیری از نادیده‌گرفتن نقش آنها در فرآیند مذاکرات، به شفاف‌سازی مواضع ایران و کاهش نگرانی‌های منطقه‌ای کمک شایانی کرده و بستر را برای همکاری‌های آینده فراهم می‌آورد. این اقدام، نشان داد که ایران حتی در شرایط بحرانی، به دنبال راه‌های

الگوی کنش رفتاری پزشکیان در دوران رهبر شهید و پس از جنگ رمضان همواره به گونه‌ای بوده است که نسبت به نقش سازمانی و بوروکراتیک خود واقف بوده و هیچ‌گاه تلاش نداشته تا رهبران سیاسی و مقام‌های اجرایی را در وضعیت «ابهام بوروکراتیک» قرار دهند. در چنین شرایطی طبیعی است که میزان اعتماد متقابل کارگزاران نسبت به یکدیگر افزایش یابد . پزشکیان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اجرایی هیچ‌گاه براساس الگوی کنش یکجانبه تأکید و اصرار نداشته است، نسبت به واقعیت‌های ساختار سیاسی و توزیع قدرت در ایران واقف بوده و در نتیجه توانست از طریق همکاری با رئیس مجلس و رهبری، زمینه لازم برای توافق اسلام‌آباد را فراهم آورد.

توافق اسلام‌آباد در نگرش پزشکیان و بسیاری از تحلیلگران مسائل سیاسی و راهبردی کشور با نیازهای راهبردی و واقعیت‌های ساختاری ایران پیوند همه‌جانبه داشته است. اگر دولت ترامپ از «سیاست آتش‌باری محرکه» برای نادیده گرفتن توافق اسلام‌آباد بهره گرفت و در نتیجه ساختار نظامی ایران ناچار شد تا از سازوکارها و الگوی کنش پرشدت برای عبور از توافق استفاده نماید، به هیچ وجه اعتبار توافق اسلام‌آباد و حمایت همه‌جانبه پزشکیان و سایر ارکان حکومتی ایران را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد.

آیامی‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دولت، تبدیل «مقاومت و مذاکره» از دوگانه‌ای ظاهرآ متضاد به دو ابزار مکمل سیاست خارجی بود؟

واقعیت‌های ساخت پزشکیان بر «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» در حوزه سیاست خارجی و «همکاری‌های سازنده» در حوزه سیاست داخلی قرار داشته است. هر یک از دو انگاره یاد شده، از قابلیت لازم برای صلح‌سازی و بهینه‌سازی امنیت ملی ایران برخوردار می‌باشند. الگوی کنش ارتباطی پزشکیان با ساخت اجتماعی، نهادهای نظامی و مجموعه‌های امنیتی به گونه‌ای است که موضوع مربوط به «تقسیم کار بوروکراتیک» را همواره مورد توجه قرار می‌دهد.

چنین انگاره‌ای به مفهوم آن است که پزشکیان نسبت به ضرورت‌های ساخت سیاسی ایران واقف بوده و به همان گونه‌ای که دیپلماسی را به‌عنوان بخشی از ضرورت گذار از بحران می‌داند، مقاومت و نظامی‌گری را نیز بخش دیگری از عرصه کنش راهبردی تلقی می‌کند که می‌تواند پشتیبان حوزه دیپلماسی باشد. اگرچه ایران در زمره کشورهای منطقه‌ای محسوب می‌شود، ولی یکی از دلایل اصلی موفقیت ایران برای مقاومت در برابر سیاست تهاجمی و خشونت‌آمیز آمریکا و اسرائیل را می‌توان ناشی از همبستگی دو حوزه راهبردی کشور دانست که در این فرآیند، پزشکیان توانست نقش «بازنگر موازنه‌گر» را در ساختار داخلی ایران ایفا نماید.

آشتی‌جویانه و تأکید بر آمادگی ایران برای حل مسائل از طریق گفت‌وگو همراه بود، موفق شد از شکل‌گیری یک فضای روانی منفی علیه ایران در سطح افکار عمومی منطقه جلوگیری کند و بستر را برای ادامه تعاملات دیپلماتیک فراهم آورد.

در جمع‌بندی باید اذعان کرد که اگرچه کارنامه دولت چهاردهم در حوزه سیاست همسایگی با مطلوبیت‌های آرمانی فاصله دارد و با توجه به مقدرات و محدودرات، شاید نتوانست به تمام اهداف تعیین شده دست یابد اما با توجه به شرایط پیچیده و می‌سابقه حاکم بر کشور این کارنامه را می‌توان قابل قبول و قابل دفاع ارزیابی کرد. دولت چهاردهم نشان داد که در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان اصول راهبردی سیاست خارجی را حفظ کرد و با هوشمندی، صبر و انعطاف‌پذیری دیپلماتیک، از تبدیل تنش‌های نظامی به بحران‌های سیاسی جلوگیری نمود. این رویکرد، که ریشه در تأکیدات رهبران انقلاب اسلامی بر راهبیمت روابط حسنه با همسایگان دارد، می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق در شرایط مشابه، مورد توجه و بازتاب در منطقه عمل کند و از تبدیل غرب آسیا به میدان جنگی گسترده جلوگیری نماید. این دستاورد، هرچند در سایه جنگ و تحریم به دست آمده، اما می‌تواند به‌عنوان مزایع ارزشمند برای آینده سیاست خارجی کشور تلقی شود.

• یادداشت •

روابط نزدیک و موفق شد فضای ذهنی حاکم بر کشورهای منطقه را از یک رویارویی صرف‌نظایی به یک مناقشه قابل مدیریت از طریق دیپلماسی تغییر دهد. وزارت امور خارجه با اتخاذ رویکردی متوازن و واقع‌گرایانه، اصول همسایگی را به‌عنوان یک خط قرمز دیپلماتیک حفظ کرد و از هرگونه اظهارنظر یا اقدامی که می‌توانست منافع همسایگان تفسیر شود، پرهیز نمود .

در کنار این کارزار دیپلماتیک، انتخاب هوشمندانه بانک اهدا-فای عملیات‌های دفاعی نیز در هماهنگی و مشورت با وزارت امور خارجه انجام شد. نیروهای مسلح با حفظ نهایت خویشتنداری و دقت در هدف‌گیری، عملیات‌های خود را صرفاً متوجه منافع و عناصر مرتبط با آمریکا کردند و از اقداماتی که به‌عنوان تهدید علیه امنیت همسایگان تفسیر شود، پرهیز نمودند. این رویکرد، که حاصل هماهنگی دقیق میان وزارت امور خارجه و فرماندهی دفاعی بود، از تبدیل تنش‌های نظامی به بحران‌های سیاسی جلوگیری کرد. بیانه‌های متوازن و تبیین نیروهای مسلح نیز در تشریح دقیق دلایل عملیات‌ها تأکید بر دفاع مشروع، نقش مهمی در جلوگیری از سوءبرداشت‌های منطقه‌ای ایفا کرد و نشان داد که حتی در شرایط درگیری، ایران به دنبال گسترش دامنه درگیری نیست.

انتخاب میانجی‌گران مؤثر
اقدام مؤثر دیگر انتخاب میانجی‌گران و تسهیل‌گران از میان بازیگران منطقه‌ای پرهیز از بیانیه‌های تند و تحریک‌آمیز